

مغز متفکر

چگونه مثل شرلوک هولمز فکر کنیم

ماریا کونیکووا

سارا اسماعیلی

www.ketab.ir

سرنشانه	کونیکووا، ماریا
عنوان و نام پدیدآور	Konnikova, Maria
مشخصات نشر	مغز متفکر؛ چگونه مثل شرلوک هولمز فکر کنیم / ماریا کونیکووا [ترجمه] سارا اسماعیلی.
مشخصات ظاهری	تهران: نشر خزه، ۱۴۰۰.
شابک	۳۰۴ ص؛ ۱۴×۵/۲۱×۵ س.م.
وضعیت فهرست نویسی	۹۷۸-۶۲۲-۶۹۱۳-۷۷-۵
پلدادشت	فبا
عنوان دیگر	عنوان اصلی: Mastermind : how to think like Sherlock Holmes، ۲۰۱۲.
موضوع	چگونه مثل شرلوک هولمز فکر کنیم.
	منطق
	Logic
موضوع	دوی-ل، آرثور کان، ۱۸۵۹ - ۱۹۳۰ م -- شخصیتها -- شرلوک هولمز
موضوع	Doyle, Arthur Conan -- Characters -- Sherlock Holmes
موضوع	استدلال
موضوع	Reasoning
رده بندی کنگره	۱۰۸ BC
رده بندی دیویی	۱۶۰
شماره کتابشناسی ملی	۸۵۳۳۳۷۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی	

مغز متفکر
چگونه مثل شرلوک هولمز فکر کنیم
نویسنده: ماریا کونیکووا
مترجم: سارا اسماعیلی
ناشر: نشر خزه
چاپ اول: ۱۴۰۱
شمارگان: ۳۰۰ نسخه
۳۰۴ صفحه

نمونه خوانی: هیوا ابراهیمی
صفحه آرایی: مریم نطقی طاهری
طراحی جلد: بهزاد باشو
چاپ و صحافی: پردیس دانش
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۱۳-۷۷-۵



www.khazehpub.com

فهرست

۹.....	یادداشت مترجم.....
۱۳.....	پیشگفتار.....
۲۱.....	بخش اول: خودشناسی.....
۲۳.....	فصل یکم: روش علمی ذهن.....
۴۳.....	فصل دوم: اتاق زیر شیروانی مغز چیست و چه در آن می‌گذرد؟.....
۸۳.....	بخش دوم: از مشاهده تا تصور.....
۸۵.....	فصل سوم: اسباب و اثاثیه‌ی اتاق زیر شیروانی مغز: قدرت مشاهده.....
۱۳۷.....	فصل چهارم: واریسی اتاق زیر شیروانی مغز: اهمیت خلاقیت و قوه‌ی تخیل.....
۱۸۵.....	بخش سوم: هنر استنتاج.....
۱۸۷.....	فصل پنجم: مسیریابی در اتاق زیر شیروانی مغز: استنتاج از واقعیت‌ها.....
۲۱۹.....	فصل ششم: حفظ و نگهداری اتاق زیر شیروانی مغز: آموزش بی‌وقفه.....
۲۴۵.....	بخش چهارم: علم و هنر خودشناسی.....
۲۴۷.....	فصل هفتم: اتاق زیر شیروانی پویا: ادغام اطلاعات.....
۲۶۵.....	فصل هشتم: ما انسانیم و جایز الخطا.....
۲۸۹.....	سخن آخر.....

یادداشت مترجم

داستان معنا را آشکار می‌کند. اگر داستان نبود، فقط توالی تحمل‌ناپذیر اتفاقات محض می‌ماند.

هانا آرنت

کتاب «مغز متفکر» که از پر فروش‌های نیویورک‌تایمز و همچنین نامزد بهترین ناداستان برای جایزه‌ی اکوتا بوده است، با عنوان فرعی «چگونه مثل شرلوک هولمز فکر کنیم» خواننده را با مغز متفکر بی‌بیل دنیای ادبیات یعنی شرلوک هولمز مواجه می‌سازد. البته ماریا کونیکووا در کتاب خود صرفاً به دنیای داستانی و شیطنت‌های خلاقانه و هوشمندانه‌ی هولمز اکتفا نکرده و سعی بر آن داشته تا با ذکاوت تمام خواننده را به دنیای ذهن این کاراکتر رهنمون کند. ما در این کتاب که در زیرمجموعه‌ی ناداستان‌های روانشناختی قرار می‌گیرد، با داستان یا داستان‌هایی مواجهیم که هر کدام به تنهایی و در ترکیب با یکدیگر حرف تازه‌ای برای گفتن دارند؛ داستان‌های مهیج کارآگاه دوست‌داشتنی و عجیب‌گرایی چون شرلوک هولمز و یار وفادارش دکتر واتسون که در فضایی علمی ما را با پیچیدگی‌های ذهن آشنا می‌کند. همچنین در گوشه و کنار کتاب، با خاطرات و ماجراهایی در مورد زندگی شخصی و حرفه‌ای خود نویسنده نیز روبرو خواهیم شد. در حقیقت، کونیکووا با طرح موضوعاتی مختلف - که از کودکی ذهنش را درگیر خود کرده است - در قالب ایده‌هایی علمی و در عین حال آسان فهم، کاری را کرده که هانا آرنت به آن اعتقاد داشت. شاید اگر نویسنده به ماجراهای خواندنی هولمز و واتسون متوسل نمی‌شد، کتاب پیش رو چیزی نبود جز توالی تحمل‌ناپذیری از اطلاعات عام عصب‌پژوهی و روانشناسی که برای خواننده‌ی غیرمتخصص چندان گیرایی ای نداشت. آنچه بیش از همه اهمیت می‌یابد،

سوژه‌ی کتاب است که کسی نیست جز شرلوک هولمز، یکی از برجسته‌ترین نمادهای تفکر، تمرکز و ذکاوت که هرچند متعلق به دنیای ادبیات کلاسیک جهان است، هم اهالی قلم و هم دنیای فیلم و سینما به خوبی این شخصیت بدون تاریخ مصرف را با بازخلق آن در حیطه‌های مختلف هنری جاودان ساخته‌اند.

شاید اصلاً نتوان برای داستان کلی این کتاب خالق مشخصی را معرفی کرد. وقتی کتاب «مغز متفکر» را می‌خوانیم، نمی‌توانیم فوری در مورد خالق داستان نظر بدهیم یا به زبان فرمالیست‌های روسی، عنصر غالب داستان را به راحتی تشخیص دهیم. اصلاً خود هولمز هم گاه و بیگاه به ما هشدار می‌دهد که پیش‌داوری را کنار بگذاریم و با فاصله به موقعیتی که در آن قرار داریم بنگریم و در موردش استنتاج کنیم. آن هم استنتاجی علمی، البته با درونمایه‌ای از شهود و چاشنی خیالبافی که هولمز ما را به ضرورت آن فرا می‌خواند. گویی نویسنده در همکاری مسالمت‌آمیزی با شخصیت‌های داستانی سر آرتور کانن دوئل، قصد کرده خواننده را از زاویه دیدی جدید با کارکردهای مغز انسان نظیر فرایند تفکر، یادآوری، فراموشی، انواع خطاهای ادراکی، قدرت استنتاج، پیش‌داوری و ... آشنا سازد. در واقع، کتاب پیش رو، جدای از ماهیت داستانی خود، نوعی تمرین ذهنی به خواننده ارائه می‌کند. نویسنده با هوشمندی تمام، برای تلطیف فضایی که ممکن است برای خواننده‌ی عام متون روانشناختی و عصب‌پژوهانه چندان دلچسب نباشد، از شوخ‌طبعی‌های هولمز و همچنین خاطرات شخصی خود بهره جسته است. بنابراین تعجب نکنید، اگر پس از چند سطر مطالعه در مورد نیمکره‌های مغز و پیشرفت‌های علوم اعصاب با دود پیپ شرلوک هولمز یا صدای آژیر ماشین پلیس اسکاتلند یارد به خودتان آمدید. در پایان این خواننده است که بین کانن دوئل، هولمز و کونیکووا قضاوت کرده و عنوان نویسنده را به یکی از آنها می‌دهد.

نویسنده برای بیان پیچیدگی‌های ساختار مغز انسان، آن را به زیرشیروانی مانند کرده و از آغاز تا به انتهای کتاب، به دقت و سر حوصله ما را با ساختار این زیرشیروانی آشنا می‌کند. کونیکووا و هولمز دوشادوش هم استراتژی‌هایی را به خواننده ارائه می‌کنند تا بتواند پس از رسیدن به صفحه‌ی آخر، به تفکری روشن‌تر و بینشی عمیق‌تر دست یابد. هر فصل که پیش می‌رویم، بیشتر و بیشتر راهکارهای لازم برای سر و سامان دادن به این فضای شلوغ و درهم را فرا می‌گیریم و اگر خوب به توصیه‌های خالقین داستان گوش

کنیم، به قدرت تفکر و تمرکز پی می‌بریم. در کتاب «مغز متفکر» نویسنده از علم عصب‌پژوهی و روانشناسی قرن حاضر بهره جسته تا مدهای منحصر بفرد هولمز را در خصوص مهارت‌هایی چون ذهن‌آگاهی دائمی، مشاهده‌ی زیرکانه و استنتاج منطقی به خواننده پیشکش کند. وقتی خواننده کتاب را مطالعه می‌کند متوجه می‌شود که چه آسان می‌تواند با کمی خودآگاهی و تمرین، روش‌های هولمزی را در زندگی شخصی و حرفه‌ای خود به کار ببندد و راحت‌تر از قبل از پس حل مشکلات بزرگ برآید. چه یک خواننده‌ی عادی و بی‌طرف باشید، چه یک هوادار سرسخت هولمز با مطالعه‌ی این کتاب خواهید توانست از رهنمون‌های یگانه‌شاهین تیزچشم ادبیات کارآگاهی برای ارتقای سطح دانش و آگاهی خود بهره‌مند شوید.